گزارش یک

«کاربران» استقبال کرده‌اند

نگهداری از حیوان خانگی در «تلفن‌همراه»

نگار حسینی

هرازگاهی صدای «آلارم» (هشـدار) گوشی‌ها درمی‌آید. در یک محیط کاری بیست‌وچندنفره، هفت، هشت نفری هستند که این «آلارم» به آنها گوشزد می‌کند که جایی مسوولیتی را پذیرفته‌اند و بهتر است حواسشان باشد؛ گوشزد می‌کند که «بو» (boo) گرسنه است، کثیف است، حوصله‌اش سر رفته، خوابش می‌آید و چیزهایی از این دست. بعد، این دیگر کاربر گوشی تلفن همراه است که تصمیم می‌گیرد گوشزدکردن «بو» را جدی بگیرد یا نه. «بو» چیست؟ یکی از بازی‌هایی که تنها روی گوشـی‌های «اپل» قابل دستیابی است و البته عبارت است از یک جانور خانگی مجازی. روی گوشی‌های غیر از «اپل»، کاربرها از یک بازی با عنوان «my pou» استفاده می‌کنند. «پو» هم یک حیوان خانگی مجازی است که تفاوت‌های اندکی با «بو» دارد. شرکت سازنده «بو» می‌نویسد: «یک حیوان مجازی. او منتظر شماست که لباس تنش کنید، به او غذا بدهید، تمیزش کنید، به او چیز یاد بدهید و مراقبش باشید. شما فرصت دارید به «بو» بهترین و مناسب‌ترین شکل ممکن را بدهید.» و در نهایت در برابر همه این خدمـات، توضیح بازی اضافه می‌کند: «بو همه جذابیتی را که یک حیوان خانگی می‌تواند به شما بدهد در خود دارد.»

می‌روم بچه‌ام را بزرگ کنم

«سحر»، جایی نوشته بود می‌رود بچه‌اش را بزرگ کند؛ آنقدر جدی که اگر کسی او را نشناسد، خیال می‌کند جدی‌جدی بچه‌ای در کار اسـت. «بو» را سه، چهارماهی می‌شـود که روی گوشی تلفن همراه دارد. «سـحر» به «بو» حس یک حیوان خانگی از نوع مجازی را دارد. می‌گوید به‌طور معمول، بعد از اینکه آلارم «بو» رسید، برای رسیدگی به خواسته‌هایش اقدام می‌کند اما در کل، خیلی تحت‌تاثیر این بازی قرار نگرفته است. حس سحر در مواجهه با آلارم «بو»، استرس است: «استرس می‌گیرم که کارهایش را هرچه زودتر انجام دهم... . گمانم در مورد آن احساس مسوولیت می‌کنم.» و این کارها شامل فراهم‌کردن غذا، مراقبت، بازی با بو و تمیزکردن اوست... .

حس مسـوولیت یکی از نقاط اشتراک همه کاربرانی است که با «پو» یا «بو» بازی می‌کنند. «رضا»، «پو» را روی گوشی تلفن همراه دارد. می‌گوید خیلی فرصت ندارد به «پو» رسیدگی کند اما به محض اینکه آلارمی از او دریافت می‌کند، خود را مسـوول می‌داند هرچه سریع‌تر سـراغش برود. او برای تغذیه «پو» برنامه‌ریزی می‌کند و برنامه او در راستای بهتربودن تغذیه اوست. «رضا» چندان به «پو» وابسته نیست و برخلاف بسـیاری کاربران دیگر، «پو» را حیوان خانگی نمی‌داند. او توضیح می‌دهد: «من دو گربه دارم و از آنجا که حیوان واقعی دارم و وقت خالی چندانی هم ندارم، به گمانم حسی نسبت به «پو» نداشته باشم؛ دست‌کم «پو» نمی‌تواند حیوان خانگی‌ام باشد.»

به‌نظر می‌رسـد برای کاربرانی مانند «رضا» با داشتن یک زندگی شلوغ و البته دو حیوان خانگی که هر لحظه به مراقبت و توجه نیاز دارند، جایی برای یک حیوان خانگی از نوع مجازی نماند. با این حال، برای خیلی‌های دیگر ماجرا خیلی جدی می‌شـود، آنقدر که خیال پاک‌کردن بازی از روی گوشی تلفن همراه به سرشان می‌زند. «امیر» از آن دسته کاربرهایی است که ناچار شده بازی «پو» را از گوشی تلفن همراهش پاک کند. دلیلش هم واضح اسـت: «همه وقتم را پر کرده بود.» اما چطور می‌شـود یک بازی همه وقـت آدم را پر کند؟ «امیر» در مورد دلیل این موضوع می‌گوید: «با بهترین دوسـتم قطع رابطه کرده بودم و خیلی‌خیلی تنها بودم، اینجوری بود که «پو» شـده بود همه دنیایم. یک‌ماهی وضع به همین منوال گذشت، همه تلاشم را می‌کردم تا برای «پو» بهترین چیزها را فراهم کنم... . بعد از یک‌ماه و با سروسامان‌گرفتن وضعیت عاطفی، نگاه کردم دیدم نمی‌توانم برای «پـو» وقت بگذارم؛ در نتیجه از روی گوشـی پاکـش کردم.» به نظر می‌رسد در مورد «امیر»، پاک‌کردن بازی از نرسیدن به «پو» و در نتیجه مردن جانور ساده‌تر بوده باشد.

اما احسـاس «امیر» هم به «پو»، چیزی از جنس احساس به یک حیوان خانگی است و البته او هیچ‌وقت حیوان خانگی نداشته است: «مادربزرگم وسواسی است؛ تمام سال‌هایی که یادم می‌آید، بچه‌ها به محض داشـتن حیوان خانگی فرصت حضور مادرشان را در خانه از دسـت می‌دادند. این‌جوری بود که مادرم هیچ‌وقت با آوردن حیوان خانگی موافقت نکرد... .»

«امیـر» ماجـرای «پو» را جدی‌تـر از نیاز به داشـتن یک حیوان خانگی می‌داند: «آدم‌ها در حدود سـن من، نزدیکی ۲۵سالگی، نیاز دارند خانه داشته باشـند، نیاز دارند بچه داشته باشند و هیچ‌یک از این موارد در ایران برایشان مهیا نیست. این است که به داشتن اینها در دنیای مجازی روی می‌آورند.» او احتمال می‌دهد که اقبال عمومی به بازی‌هایی مانند «پو» یا «بو» نتیجه همین کاستی است. می‌گوید: «با اینا زمستونو سر می‌کنم... .»

تاریخچه‌ای ۷، ۸ ساله

چه چیز موجب می‌شود آدم‌ها به این‌قبیل بازی‌ها روی بیاورند و اقبال بیشتری به آنها نشان بدهند و در نهایت این بازی و این حیوان مجازی بخشی از زندگی‌شان شود؟ «مسعود کوثری»، جامعه‌شناس و مدیر گروه ارتباطات دانشـگاه تهران می‌گوید هشت‌سالی هست که چنین بازی‌هایی وارد بازار شده است: «پیش از اینکه بازی‌هایی مانند «بو» یا «پو» وارد گوشی‌های موبایل شوند، کنسول‌هایی در ژاپن ساخته شد که بازی‌هایی بر اساس وجود یک کودک در آنها طراحی شده بود. در این بازی‌ها باید به کودک غذا داده می‌شـد، از او مراقبت می‌شد و انجام‌ندادن اینها، به ضعیف‌شـدن و در نهایت مرگ کودک منجر می‌شد. مخاطبان این بازی بیشـتر کودکان بودند. به عبارت دیگر، بازی برای کودکان طراحی شـده بود. امـا در صورتی که به کودک این بازی توجه کافی نمی‌شد، کودک ضعیف می‌شد و می‌مرد. مرگ کودک موجود در این بازی، روی بچه‌ها تاثیر بسیار بدی داشت و در نهایت به این منجر شد که در اجازه دادن به بچه‌ها برای استفاده از این بازی بازنگری شود.»

کوثری درباره جذابیت این بازی‌ها معتقد است: «اینکه ما می‌توانیم یک موجود زنده را پرورش دهیم و او به ما واکنش نشـان بدهد، اوج مساله تعامل در تکنولوژی‌های نوین است. در اینگونه موارد، ما تنها با یک بازی سروکار نداریم بلکه با یک موجود زنده مواجه هستیم. این موجب دلبستگی می‌شود و ما را وارد فضای بازی می‌کند. بنابراین در نهایت انجام این بازی موجب ایجاد یک علقه عاطفی می‌شـود. این مشابه آن چیزی است که آدم‌ها با داشتن یک حیوان خانگی تجربه می‌کننـد.» کوثری می‌گوید که اتفاقات دیگری نیز حین اجرای این بازی‌ها می‌افتد: «هنگامی که ما وارد فضای بازی می‌شویم و از بازی عبور می‌کنیم، تجربه غرق‌شـدگی ایجاد می‌شود که در نتیجه آن، پیوندهای عاطفی به وجود می‌آید و درواقع احساس نمی‌کنیم که این پدیده چیزی بیرون از ماست.»

افرادی که با «بو» یا «پو» بازی می‌کنند، از تجربه نوعی احسـاس مسوولیت سخن می‌گویند که به نظر می‌رسد یکی از نقاط اشتراک بین همه آنهاست، چه آنهایی که زندگی شلوغی دارند و جای خالی ندارند و چه آنهایی که از سـر تنهایی بـازی می‌کنند. «کوثری» در تحلیل این احسـاس می‌گوید: «این پیوندهایی که میان ما به‌عنوان کاربرانی که با «بو» یا «پو» بازی می‌کنیم با جانور به وجود می‌آید، به نوعی محدودکننده واکنش‌های ما محسوب می‌شوند. به این معنا که مـا نمی‌توانیم این موجود یا این بچه را رها کنیم تا بمیرد. دلیل آن هم این اسـت که به‌نظر می‌رسـد مفهوم مرگ و حیات در این فضا، واقعی است.»

«امیر»، اشاره کرده بود که فکر می‌کند بابت نیازها و کاستی‌هایی که در جامعه ایران وجود دارد، او و هم‌نسلانش به بازی‌هایی مانند «بو» یا «پو» تمایل نشـان می‌دهند. مسـعود کوثری چنین موردی را تایید می‌کند: «در جامعه ما، به‌دلیل وجود مسـایلی که در مورد نگهداری از حیوانات خانگی وجود دارد، بازی‌هایی مانند «بو» یا «پو» می‌توانـد یک تجربه واقعی در اختیار افراد بگذارد که در عین حال جذاب و سرگرم‌کننده هم هست.»

به اعتقـاد او، این مورد حتی می‌تواند موجب ارتباط با دیگران یا تحکیم ارتباطات در جامعه شـود: «درسـت شبیه آن چیزی که مادرها با هـم دارند و در مورد تجربه‌های بچـه‌داری با هم ارتباط برقـرار می‌کنند، تجربه‌های نگهداری از این موجودات نیز می‌تواند به ایجاد نوعی ارتباط اجتماعی کمک کند. در بازی‌های رایانه‌ای به این تجربه، «تجربه بدون خطر» گفته می‌شود. به این معنا که با این بازی‌ها، بدون مواجه‌شدن با خطرات و مشکلات داشتن یک بچه یا حیوان خانگی، می‌توان آنها را تجربه کرد.»

اپلیکیشن «بو» روی سیستم‌های «اپل» قابل اجرا است

درجامعه مـا، به‌دلیل وجود مسـایلی که در مورد نگهداری از حیوانات خانگی وجود دارد، بازی‌هایـی مانند «بو» یا «پـو» می‌تواند یک تجربه واقعی در اختیار افـراد بگذارد که در عین حال جذاب و سرگرم‌کننده هم هست.» ایـن مورد حتـی می‌تواند موجـب ارتباط با دیگران یا تحکیم ارتباطات در جامعه شـود. درست شبیه آن چیزی که مادرها با هم دارند و در مـورد تجربه‌های بچه‌داری با هم ارتباط برقرار می‌کننـد، تجربه‌های نگهداری از این موجودات نیز می‌تواند به ایجاد نوعی ارتباط اجتماعی کمک کنـد. در بازی‌های رایانه‌ای به ایـن تجربـه، «تجربه بدون خطـر» گفته می‌شـود. به این معنا که با این بازی‌ها، بدون مواجه‌شـدن با خطرات و مشـکلات داشتن یک بچـه یا حیوان خانگی، می‌تـوان آنها را تجربه کرد.

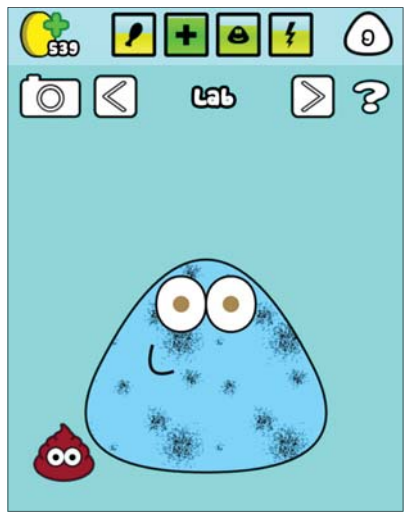

اپلیکیشن «پو» را می‌توان روی سیستم‌های اندروید اجرا کرد

گزارشگر «شرق» در همه جای ایران باشید

سوژه‌ها و گزارش‌های خود را برای ما به ایمیل sharghline@sharghdaily.ir بفرستید یا به شماره ۳۰۰۰۴۶۹۹ پیامک بزنید یا با ۸۸۶۴۰۲۶۰ تماس بگیرید. «شرق» با کمک شما خواندنی‌تر می‌شود.

گزارش دو

دانش‌آموزان ایرانی به دشواری «انتخاب رشته» می‌کنند

علاقه بهتر است یا ثروت؟

علی گنجی

سال دوم دبیرستان به رشته تجربی رفته است. پشیمان می‌شود و رشته‌اش را در سال سوم دبیرستان به ریاضی‌فیزیک تغییر می‌دهد. بعد از اتمام سال سوم، باز هم پشیمان می‌شود و سال پیش‌دانشگاهی رشـته انسـانی را برای تحصیل انتخاب می‌کند. در بهمن‌ماه سـال پیش‌دانشـگاهی، باز هم در انتخاب خود و هدفش برای آینده شک می‌کند و در تمدید مهلت ثبت‌نام کنکور سراسـری رشته هنر را هم برای کنکور انتخاب می‌کند. سرانجام وارد رشته نقاشی در دانشگاه آزاد می‌شود. نقاشی را نیمه‌کاره رها می‌کند و مجدد برای رشته داروسازی کنکور تجربی می‌دهد. در کنکور پذیرفته نمی‌شود و به کنکور ریاضی روی می‌آورد. اینها قسمتی از سرنوشت پرپیچ‌وخم ندای ۲۹ساله است. همسر پدرش که دکترای دامپزشکی دارد، در مورد او می‌گوید: «من یک‌سـالی است در جریان کارهای او هستم. تا به حال، هزینه زیادی برای خرید کتاب‌هایش در رشته‌های مختلف و معلم‌های خصوصی پرداخت شـده. دو قفسـه کامل در انباری فقط کتاب‌های درسی و کمک‌آموزشی رشته‌های مختلف هست. هزینه‌ها به کنار، با این حال هنوز هم تکلیفش را نمی‌داند. الان هم می‌خواهد مدیریت بخواند تا جانشـین شرکت پدرش شود. مطمئنم در کنکور موفق نمی‌شود اما اگر هم بشود، هیچ‌وقت نمی‌تواند یک مدیر خوب باشد چون از روی استعداد و علاقه رشته‌اش را انتخاب نکرده است.»

باز هم بیش از یک‌میلیون‌نفر. این آمار موقتی اسـت که سازمان سنجش از تعداد داوطلبان کنکور سراسری ۹۳ داده است؛ داوطلبانی که در مرداد ۹۳ باید برای انتخاب رشته مراجعه کنند و وارد دانشگاه شوند. انتخاب رشته در دو مقطع مهم صورت می‌پذیرد. اولین انتخاب رشـته در مقطع دوم دبیرستان اسـت که اکثر داوطلبان در یکی از گروه‌های تجربی، ریاضی و انسـانی شروع به تحصیل می‌کنند. نحوه این انتخاب رشته در ایران، روند مشخصی ندارد و داوطلبان بیشتر بر اساس تصمیم والدین خود وارد رشته‌های نظری می‌شوند. دکتر شهاب شافعیان، از مشاوران یکی از دبیرسـتان‌های شهر تهران، در این‌باره می‌گوید: «اسـتعدادیابی در کشور ما وجود ندارد و این موضوع هزینه بسیار سنگینی را به کشـور تحمیل کرده است. وجود چند گرایش مختلف مثل انسانی و تجربی و... و مجبورکردن فرد ۱۵ساله به انتخاب یکی از اینها، از مشکلات ریشه‌ای آموزش کشور است. بچه ۱۵ساله از آینده و علاقه‌اش چه می‌داند؟ آن‌هم با سیستم کشور ما که بچه‌ها در مدرسه فقط دروس تئوری را یاد می‌گیرند و مدارس فقط برای نمرات این دروس ارزش قایل هستند. نتیجه این می‌شود که والدین به‌جای بچه‌ها تصمیم می‌گیرند. در مدرسه خود ما، بسیار زیادند دانش‌آموزانی که پدر و مادر پزشـک یا مهندس دارند و خودشـان هم برای قبولی در این رشـته‌ها تلاش می‌کنند. واقعا چنددرصد اسـتعداد بچه‌ها با والدینشان یکسان است؟»

این مشاور آموزشی که هرساله انتخاب رشته بیش از صد داوطلب را در مدرسه انجام می‌دهد، می‌گوید: «دومین مقطع انتخاب رشته که همان مهلت مردادماه سازمان سنجش است، بعد از اعلام نتایج اولیه کنکور اتفاق می‌افتد. در این مقطع هم مشکلات بسیاری وجود دارد. مشکل اصلی این است که داوطلبان بر اساس رتبه‌شان انتخاب رشته می‌کنند و نه علاقه و اسـتعداد. رتبه خوب و بد هم فرق ندارد. طرف برای انتخاب رشته به یک مشاور مراجعه می‌کند. مشاور هم می‌خواهد انتخابی انجام دهد که دهان‌پرکن باشـد و مشتری‌اش را راضی کند. مثلا برایش افتخار دارد که قبولی‌هایش عمران یا برق قبول شـوند. می‌پرسـد رتبه‌ات چند است، مثلا می‌گویی صد. بعد می‌گوید خب، پس تو برو برق شریف. رتبه‌ات چند است؟ ۲۰۰. پس تو برق شریف قبول نمی‌شی، برو مکانیک یا صنایع شریف. رتبه اگر مثلا بشود حدود ۵۰۰، می‌گوید رشـته خوب در شریف قبول نمی‌شوی، برو امیرکبیر کامپیوتر بخوان. این موضوع واقعا آزاردهنده است. هرساله، رتبه‌های یک تا صد کنکور ریاضی اکثرا وارد رشته برق دانشگاه شریف می‌شوند. آیا هرسال استعداد و علاقه صدنفر اول یکسان است؟»

یاشار می‌گوید: «فقط اسـتعداد و علاقه‌رو نمیشه در نظر گرفت. اصلا نمیشـه. بخصوص برای ما پسرها.» او مهندس عمران است. در کنار یکی از دوستانش که ساختمان‌ساز است، کار می‌کند و به قول خودش، زندگی‌اش بد نمی‌گذرد: «خب من از یه خانواده خیلی متوسط بودم و پدرم کارگر بود. نمی‌تونست از یه سنی بیشتر خرج مارو بده. من عاشـق موسیقی بودم. هنوز هم هستم. اما چطور می‌رفتم سراغ موسـیقی؟ به فرض از پس مخارج مثل خرید ساز و اینها برمیومدم، چطور پول درمی‌آوردم؟ موقع کنکور خیلی خوندم و رتبه‌ام شد ۹۰۰. وقتی پرسیدم، همه می‌گفتن بازار کار عمران و معماری و چند رشته دیگه به نسبت بقیه خوبه. من هم می‌خواستم درس بخونم، هم کار پیدا کنم.» یاشار می‌گوید: «باید به بازار کار هم نگاه کرد. یه‌روزی باید خونه، زندگی تشـکیل داد و مسـوولیت قبول کرد. بدون کار خوب، چطوری میشـه خونه خرید و زندگی کرد؟ موقع انتخاب رشـته هم خیلی وقت فکرکردن نیسـت. باید دید اکثریت جامعه چی میگن و همون کاررو انجام داد که خیال آدم راحت‌تر باشه. تو فرهنگ ما وقتی اسم یکسری رشته‌هارو ببری بت می‌خندن.»

پزشکی، مهندسی برق و حقوق؛ اینها رشته‌هایی است که طبق آمار سازمان سنجش پرطرفدارترین و پرمتقاضی‌ترین رشته‌هاست. المیرا، دانشـجوی مدیریت آموزشـی، درباره رشـته‌های پرطرفدار می‌گوید: «بسـیار فضای رقابتی شدیدی برای بعضی رشته‌ها وجود دارد. رشته‌های مهندسی به دلیل افزایش دانشگاه‌های دیگر، خیلی دست‌نیافتنی نیست که البته سیاست غلطی است زیرا اشباع بازار کار را به‌دنبال دارد. اما در رشته‌های انسانی هنوز رقابت برای حقوق سنگین است. وزارت بهداشت با کم‌نگاه‌داشتن ظرفیت در دانشگاه‌ها، بازار کار را مقداری کنترل کرده است تا اما رقابت از این‌سو نزدیک است. در آماری که برای یکی از تحقیقاتم از ۱۰ دبیرسـتان در رشته تجربی مقطع پیش دانشگاهی گرفتم، حدود ۹۸درصد افراد شرکت‌کننده در آمارگیری نظرشان روی رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی بود. بر سر این رشته‌ها در همه‌جای دنیا رقابت است اما امکان ندارد از بین این تعداد داوطلب قبولی برای پزشـکی، همه‌شان واقعا به درد این رشته سنگین و خاص می‌خورند؟» المیرا می‌گوید: «جالب اینجاست مدارس به این مورد تقریبا هیچ‌کاری ندارند و در تبلیغاتشان هم فقط کسـانی را به‌عنوان موفق ذکر می‌کنند که پزشکی یا حقوق قبول شده باشند. نتیجه‌اش می‌شود نامربوط‌بودن رشته طرف به شغلش یا انصراف از دانشـگاه. طبق آمار رسمی وزارت بهداشت، بیشترین انصرافی در دانشگاه‌ها متعلق به دانشجویان پزشکی است. اگر سیستم پذیرش کمی به سیستم‌های مدرن نزدیک‌تر شود سرعت پیشرفت کشور چندبرابر خواهد شد.»

اوضاع انتخاب رشته در ایران را می‌شود با کشوری مثل انگلستان مقایسـه کرد، «بعد از تورهایی که مدرسـه برای آشنایی با مشاغل و رشته‌ها برگزار میکنه، دانش‌آموزها مطالعات و تحقیقاتشون‌رو انجام میدن و رشته‌شان را انتخاب می‌کنند.» اینها حرف‌های هنریک ویلیام پترسون است. او در دانشگاه وارمیک انگلستان جانورشناسی می‌خواند و ۲۳سـال دارد. متولد اسـکاتلند اسـت اما در لندن درس خوانده و می‌خواند. هنریک در مورد سیستم آموزشی انگلستان می‌گوید: «خودم یک‌بار مردود و مجبور شـدم یک‌سـال دیگر تـلاش کنم. برای یک دانشگاه خوب و یک رشته خوب باید تلاش بسیاری کرد. در اینجا باید قبل از ورود به دانشگاه نمرات و معدلتان را برای پنج دانشگاه بفرستید و رشـته موردنظرتان را اعلام کنید. مثلا بگویید پزشـکی کمبریج می‌خواهم یا... مسـلما برای رشـته‌هایی مثل پزشکی نمرات بهتری مورد نیاز است. دانشـگاه نمرات و صلاحیت شما را بررسی می‌کند. باید منتظر «offer» از دانشگاه موردنظرتان بمانید. مثلا از پنج‌دانشگاه، سه دانشگاه به شما پیشنهاد پذیرش می‌دهند. برای مثال، کمبریج اگر نمرات خوبی داشته باشید به شما «offer» می‌دهد که اگر در امتحان پایانی که شامل دروس ریاضی، شیمی، فیزیک و زیست است، بتوانید در هر چهاردرس نمره «A plus» کسب کنید، پذیرفته خواهید شد. در طول سـال آخر هم برای بازدیدهای مختلف می‌رویم تا با رشـته و شـغل‌های مرتبطش آشنا بشیم. در دبیرستان هم، همه یک چیز می‌خوانند و شاخه‌های مختلف نداریم.»

هنریک می‌گوید: «من خودم از رشته‌ام چیزی نمی‌دانستم. مشاور مدرسـه، بعد از چند جلسه روانشناسی، این رشته را به من پیشنهاد کرد. الان راضی هسـتم. از کودکی جانـوران و بخصوص خزنده‌ها را دوسـت داشتم. الان هم در حال تحقیق روی آنزیم‌های گوارشی مار هستم که توسط یک شرکت داروسازی حمایت می‌شود. اگر طرح به نتیجه برسد، پول خوبی به دست می‌آورم.»

جدول ۱۹۴۱

افقی:

۱- از نمادهـای نـوروز- بیرون آمدن روز از شـب ۲- کوچک‌ترین ذره سازنده هر عنصر- سیر کوهی- کلبه برفی ۳- راکب- هر یک از اشخاص معرفی شده در یک داستان یا فیلمنامه- پیش‌شـماره ۴- مورد ستایش- نوبت بازی- محموله ۵- عزیز تازی- شتر قوی هیکل- صاعقه- چهره ۶- پرنده آش سـردکن! - اختلاف و دشمنی ایجاد کردن بیـن دو یا چند نفر- عصـب ۷- مینی مم- زمینه- ملکه امپراتور روم شـرقی ۸- میله افقی دو پایه برای نشسـتن پرندگان- رادار زیر دریایی- پدربـزرگ ۹- ویرگول- از ما بهتران- چطور؟ ۱۰- غوزه پنبه- کوف- ظاهر سـاختمان ۱۱- خدای هندی- آزاد و رها- آدم برفی چینی ها- پهلوان ۱۳- تراوش آب از کنار چشمه و رودخانه- هر کار زشت و غیراخلاقی و گناه آلود- انگشت اشاره ۱۳- صابون خیاطی- هر یک از میله‌های فلزی که برای افزایش استحکام بتون به‌کار می‌رود- خاموش و بی‌صدا ۱۴- مایوس- نوعی برنج- گیاه تاجریزی ۱۵- سرمایه نقدی- نوعی کوارتز نیمه شفاف با جلای مومی که در جواهرسازی کاربرد دارد.

عمودی:

۱- ابزار یا وسـیله ناکارآمد و بی‌اهمیت- مسابقاتی بین چندتیم در یک رشـته ورزشی و به‌صورت حذفی ۲- جامه صاف‌کن- قابله- ابزار نقشه‌کشـی که اَشـکال هندسی به صورت داخلی در داخل آن تعبیه شده است ۳- پادشاه بلند همت- غلام بچه- زوبین- مغز سـر ۴- همراه اسـطرلاب- نیروی هوایی جمهوری اسـلامی ایران- نامی برای حضرت حوا ۵- شـهر خون و قیام- کربن سیاه- روحانی زردشتی- روز پس از امروز ۶- سبک هنری که در سده ۱۸ میلادی در اروپـای غربی پدید آمد- جنون مردم آزاری ۷- مترور- قیف- قاب دسـتمال ۸- پایین- جشـن روز دوم ماه بهمن در ایران باستان- حرکت انقباضی و غیرارادی ماهیچه ۹- عنصری که مادام کوری کشـف کرد- برچسب- حمام بخار ۱۰- جنگ- آزادی‌خواه ۱۱- پیمان ناقلا! - سـاز شـاکی- یوزپلنگ- فلز سرخرنگ ۱۲- از گرسنه خبر ندارد- سیمرغ- خشک ۱۳- رنج و محنت- حرف فقدان- گاز لامپ- سـاده‌لوح ۱۴- نمایشگاه الکترونیک، کامپیوتر و تجارت الکترونیک که همه ساله آذرماه در محـل دایمی نمایشـگاه‌های تهران برگزار می‌شـود- کم خونی- بیهوشی ۱۵- استبداد- ماده بیهوشی امروزی.

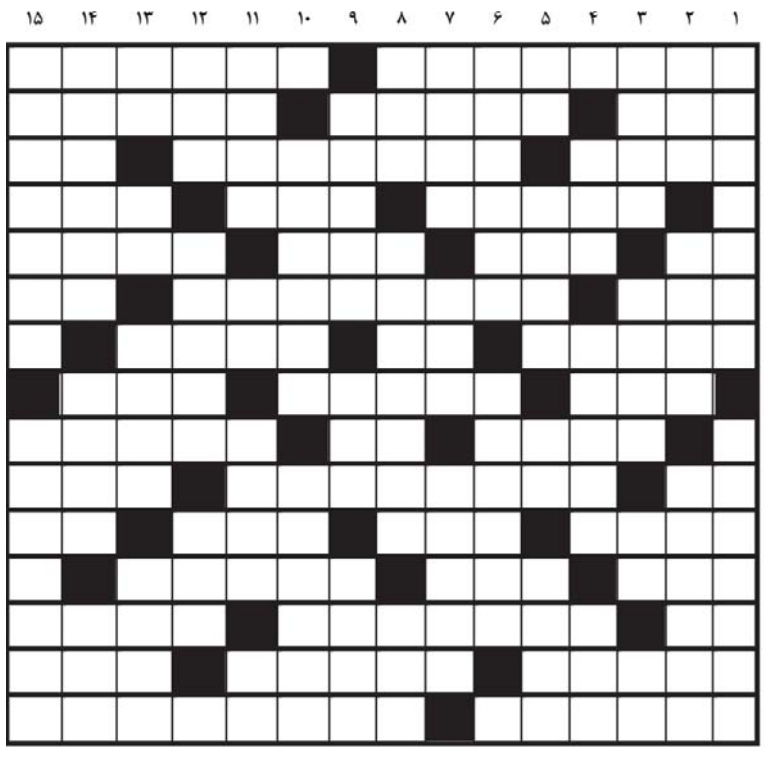

حل سودوکو سخت

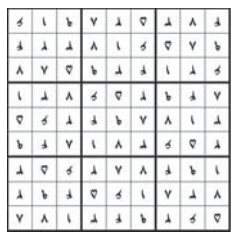

حل سودوکو ۹۴۳

۱	۳	۵	۶	۲	۸	۹	۴	۷
۸	۶	۴	۹	۳	۷	۲	۵	۱
۲	۹	۷	۵	۴	۱	۸	۶	۳
۵	۲	۸	۴	۱	۶	۷	۳	۹
۷	۴	۶	۲	۹	۳	۵	۱	۸
۳	۱	۹	۸	۷	۵	۴	۲	۶
۴	۸	۲	۱	۶	۹	۳	۷	۵
۶	۵	۳	۷	۸	۴	۱	۹	۲
۹	۷	۱	۳	۵	۲	۶	۸	۴

جدول ۱۹۴۰

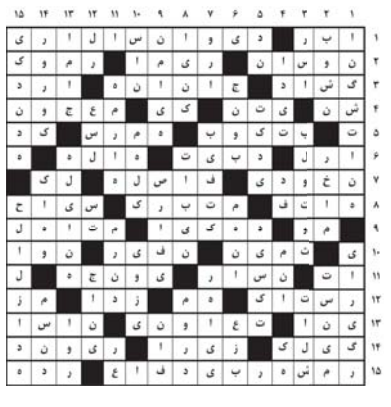

سودوکو سخت ۵۹۳

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۵			۹					
	۳			۶		۴		۲
۱	۹				۲			
۲		۶		۷				
۸							۳	
			۴		۹	۵	۸	
								۴
	۷		۵				۱	

سودوکو ۹۴۴

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

	۵				۴			
							۳	
۷		۴	۶				۱	۹
	۷					۸		
	۱	۹	۴		۷			
۴								۵
						۳	۲	
۵	۴				۸			
		۶		۷	۲			